

تحلیل کثرت‌گرایی هنجاری در پرتو اصل چهاردهم قانون اساسی ج.ا.ا.

ابوذر رجبی*

چکیده

از ویژگی‌های دین اسلام که در قانون اساسی نیز بخشی از آن متبلور شده است، نحوه تعامل و رفتار با غیر مسلمانان است. اصل چهاردهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، دولت ج.ا.ا. و مسلمانان را براساس آیه هشتم سوره ممتحنه موظف می‌داند که نسبت به افراد غیر مسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند. این اصل رویکرد اخلاقی جمهوری اسلامی را در برابر غیر مسلمانان بیان می‌دارد. اگرچه کثرت‌گرایان در ادله اثبات دیدگاه خود، مسئله حسن رفتار با پیروان همه ادیان را مطرح می‌کنند، تفاوت جدی بین مدعای آنان و این اصل از قانون اساسی وجود دارد. پلورالیسم هنجاری یا رفتاری پیش از ادعای کثرت‌گرایان از سوی اسلام مطرح شده بود؛ اما نتیجه آن تن دادن به کثرت‌گرایی معرفتی و نجات‌شناختی نیست. در این مقاله ضمن تحلیل انتقادی از دیدگاه کثرت‌گرایان در این حیطه، به تفاوت اساسی اصل چهاردهم قانون اساسی با نگره یادشده اشاره خواهیم کرد.

واژگان کلیدی

اسلام، کثرت‌گرایی هنجاری، قانون اساسی، تعامل، پیروان ادیان، حقوق انسانی.

طرح مسئله

از مباحث جدی و چالشی در حوزه فلسفه دین و الاهیات نوین، مسئله حقانیت ادیان مختلف و سعادت و نجات پیروان ادیان گوناگون است. آیا همه ادیان برحق‌اند؟ یا یکی حق است و باقی باطل؟ یا آنکه همگی در عرض هم از حقانیت برخوردارند؟ پاسخ یکسانی به این مسئله از سوی متفکران فلسفه دین ارائه نشده است. در مجموع پنج دیدگاه درباره حقانیت ادیان مطرح می‌شود: طبیعت‌گرایی یا ابطال‌گرایی؛^۱ انحصارگرایی؛^۲ شمول‌گرایی؛^۳ وحدت‌گرایی؛ و نهایتاً پلورالیسم دینی یا همان کثرت‌گرایی دینی.^۴ اینکه نظر اسلام با کدام یک از این پنج دیدگاه همراه است و یا اینکه باید نظریه متفاوت از این پنج دیدگاه را اتخاذ کرد، بین متفکران اسلامی اختلاف است. متفکران اصیل اسلامی (اعم از شیعه و سنی) وحدت‌گرایی و کثرت‌گرایی را نمی‌پذیرند، با این همه در بین طیف روشنفکران مسلمان، این دو رویکرد طرف‌دارانی دارد.

اما از بین دو رویکرد انحصارگرایی و شمول‌گرایی، غالباً متفکران اصیل اسلامی با انحصارگرایی در صدق و شمول‌گرایی در نجات همراهند. با توجه به اینکه نظر حضرت امام خمینی به عنوان بنیان‌گذار نظام جمهوری اسلامی در دولت ایران از رسمیت برخوردار است و در قانون اساسی نیز براساس دیدگاه ایشان اتخاذ موضع شده و مردم نیز در همه پرس‌و‌پرسی‌ها بدان رأی داده‌اند، رویکرد ایشان مبنای پذیرش مقاله حاضر است. براساس دیدگاه ایشان اسلام دین حق است؛ اما نمی‌توان ادیان الهی را باطل دانست. براساس آموزه‌های قرآنی، اسلام وحدت‌ادیان و کثرت‌شراعی را در پرتو نسخ شرایع و دین خاتم مطرح کرده است.

طبق همین مبنا در اصل دوازدهم قانون اساسی آمده است که «دین رسمی ایران، اسلام و مذهب جعفری اثنی عشری است و این اصل الی الابد غیر قابل تغییر است.» این در مقام حقانیت است؛ اما در مقام عمل و رفتار هم با دیگر مذاهب اسلامی و هم با سایر پیروان ادیان الهی براساس اصل دوازدهم و سیزدهم، همگی ملزم به رعایت حقوق و تعامل انسانی با آنان سفارش شده‌اند. در اصل چهاردهم به حکم آیه شریفه «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظفند نسبت به افراد غیر مسلمان، با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند. این اصل در حق کسانی اعتبار دارد که بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی ایران

1. Naturalism.
2. Exclusivism.
3. Inclusivism.
4. Religious pluralism.

توطئه و اقدام نکنند. این اصل و دیگر اصول قانون اساسی، مسئله کثرت‌گرایی دینی در حوزه صدق و نجات را نپذیرفته و خط بطلانی بر آن می‌کشد. اما مفاد این اصل، مسئله کثرت‌گرایی هنجاری و رفتاری را تأیید می‌کند. طرف داران کثرت‌گرایی دینی نیز از کثرت‌گرایی هنجاری دم می‌زنند. چه تفاوتی بین این دو نگره وجود دارد؟ در این مقاله با روش تحلیلی - انتقادی به بررسی کثرت‌گرایی دینی در حوزه رفتار و اخلاق پرداخته و نظر قانون اساسی ج.ا.ا را براساس اصل چهاردهم، در برابر آن تشریح خواهیم کرد.

مدعای کثرت‌گرایی دینی

مسئله تعدد ادیان امری بدیهی بوده و از گذشته تا به امروز کسی نتوانسته اصل این موضوع را انکار کند. (پترسون و دیگران، ۱۳۷۹: ۳۹۹ - ۳۹۸) در میان ادیان متعددی که هر یک خود را مدعی بهره‌مندی از حقانیت می‌دانند و رهروان سایر ادیان را گمراه تلقی می‌کنند، چه موضعی باید اتخاذ نمود؟ عمده سؤالاتی که برای باورمندان به ادیان در مواجهه با این امر پیش می‌آید، ناظر به حقانیت و بطلان ادیان و مذاهب مختلف است. ضمن اینکه ذیل آن از مسئله نجات و رستگاری پیروان ادیان مختلف نیز یاد می‌شود. علاوه بر پرسش از حقانیت و نجات، از نحوه تعامل و رفتار با پیروان ادیان مختلف نیز باید پرسید. در واقع نحوه سلوک و تعامل با ادیان و مذاهب مختلف چگونه باید باشد؟ کثرت‌گرایی دینی رویکردی است که به هر سه پرسش یاد شده؛ یعنی هم در حوزه حقانیت و صدق، هم در حوزه رستگاری و نجات و هم در حوزه تعامل و رفتار با پیروان ادیان مختلف پاسخ می‌دهد. براساس دیدگاه کثرت‌گرایی، هم همه ادیان در عرض یکدیگر برخوردار از حقانیت هستند و هم همه دین‌داران محق‌اند. «کثرت موجود در عالم دین‌ورزی حادثه‌ای است طبیعی که از حق بودن همه ادیان و محق بودن دین‌داران پرده برمی‌دارد که این از سویی، مقتضای دستگاه ادراکی آدمی است و از سوی دیگر، مقتضای ساختار چند پهلویی واقعیت و با صفت هدایت‌گری خداوند و سعادت‌جویی و نیکبختی آدمیان سازگار است.» (صادقی، ۱۳۸۲: ۳۴۱ - ۳۴۰)^۱ بنیان‌گذار پلورالیسم دینی (جان هیک) در تعریف کثرت‌گرایی می‌نویسد: «پلورالیسم عبارت است از پذیرش این دیدگاه که تحویل و تبدیل وجود انسانی از حالت خودمحوری به خدامحوری به طرق گوناگون در درون همه سنت‌های دینی بزرگ جهان میسر است.» (هیک، ۱۳۷۸: ۶۹؛ همو، ۱۳۷۲: ۲۴۵)

به باور کثرت‌گرایان همه انسان‌ها می‌توانند در برابر واقعیت غایی واکنش نشان دهند، اگرچه این

۱. عبارت یادشده با مقداری تغییر، از کتاب *صراط‌های مستقیم* است. (سروش، ۱۳۷۷: صفحات الف و ب)

واکنش‌ها مختلف باشد. همه این واکنش‌ها حق و همه انسان‌ها به رستگاری خواهند رسید. (صادقی، ۱۳۷۷: ۵۵) پلورالیسم بر عوامل مشترک ایمان مذهبی شخصی، خصوصاً بر بعد باطنی و توجه به بی‌نهایت تأکید دارد؛ ضمن اینکه برای ظواهر دین و شریعت و مراسم و عقاید دینی اهمیت کمتری قائل است. (لگنهاوزن، ۱۳۷۹: ۳۲)

کثرت‌گرایان به صراحت بیان می‌دارند که «دیگر ادیان به یکسان، راه‌های رستگاری به سوی خدا هستند و این مدعا را که مسیحیت، تنها راه رستگاری ... یا کامل‌ترین راه رستگاری است، باید به دلایل قوی کلامی یا پدیدارشناختی رد کرد.» (استامپ، ۱۳۸۳: ۹۳) براساس مدعای کثرت‌گرایان هیچ جهان‌بینی دینی کارآمدی، برتر از دیگر جهان‌بینی‌ها وجود ندارد. (وین‌رایت، ۱۳۹۰: ۴۵۵) به باور پلورالیست‌ها علاوه بر حقانیت همه ادیان در عرض یکدیگر، پیروان همه ادیان به نجات و رستگاری خواهند رسید. ضمن اینکه در تعامل و رفتار، هم انسان‌ها و هم حاکمیت باید به یکسان با پیروان ادیان مختلف برخورد کنند.

انواع کثرت‌گرایی

تقسیم‌واحدی درباره انواع پلورالیسم در آثار مربوط به این بحث وجود ندارد. یکی از متفکران (لگنهاوزن، ۱۳۷۹: ۳۸ - ۳۴) از پنج نوع کثرت‌گرایی یاد می‌کند: کثرت‌گرایی معرفت‌شناختی؛ کثرت‌گرایی حقیقت‌شناختی؛ کثرت‌گرایی نجات‌شناختی؛ کثرت‌گرایی وظیفه‌شناختی و نهایتاً کثرت‌گرایی هنجاری یا رفتاری که قسم اخیر؛ یعنی کثرت‌گرایی هنجاری یا پلورالیسم در رفتار موضوع بحث تحقیق پیش روست. یکی از دلایل گرایش جان هیک به کثرت‌گرایی معرفت‌شناختی و نجات‌شناختی تمایل او به نوع تعامل و رفتار و مواجهه با پیروان ادیان مختلف؛ یعنی همین پلورالیسم در رفتار بود. (هیک، ۱۳۷۸: ۲۲ - ۲۱) گسترش ارتباطات جمعی، پیروان ادیان مختلف را به سمت تعامل و زندگی مسالمت‌آمیز سوق داد. بنابراین افزایش ارتباطات و لزوم همزیستی مسالمت‌آمیز یکی از دلایل پذیرش کثرت‌گرایی است. (خسروپناه، ۱۳۸۸: ۱۹۱) امروزه همزیستی پیروان ادیان مختلف در یک جامعه، از اهمیت خاصی برخوردار است. برخی علت آن را هم به جهت علقه انسان‌ها بدان و هم به دلیل ترس از برخوردهای آشتی‌ناپذیر می‌دانند. (ساشادینا، ۱۳۸۶: ۶۳) جان هیک و دیگر طرف‌داران دیدگاه کثرت‌گرایی دینی، انحصارگرایی دینی را مساوی با عدم مدارا و نداشتن زندگی مسالمت‌آمیز با پیروان ادیان مختلف می‌دانند (قدردان قراملکی، ۱۳۸۰: ۸۹)؛ یعنی پذیرش همزیستی در جوامع دینی، سبب ترویج اصل عدم انحصار می‌شود. (ساشادینا، ۱۳۸۶: ۶۴) اینان به کتب مقدس مانند قرآن و انجیل استناد کرده و شواهدی از کتاب مقدس مبتنی بر زندگی

مسالمت‌آمیز ادیان ارائه می‌کنند و آن را دلیل بر حقانیت دیدگاه خود می‌دانند. ضمن اینکه به باور اینان در فضای جنگ و درگیری، رشد انسان‌ها امکان ندارد و تا فضای مسالمت‌آمیزی از جهت رفتار و تعامل شکل نگیرد، نمی‌توان سخن از حق و هدایت و رشد به میان آورد. بنابراین صلح و صفا و تحمل ادیان نسبت به یکدیگر لازم و ضروری است. (معلمی، ۱۳۹۰: ۹۳)

کثرت‌گرایی هنجاری یا همان پلورالیسم در رفتار بدین معناست که در نوع مواجهه و برخورد با پیروان ادیان مختلف باید به مسالمت رفتار کرد. (یوسفیان، ۱۳۹۰: ۲۸۸) پرسش اساسی در این نوع کثرت‌گرایی آن است که آیا پیروان ادیان دیگر نیز محترم‌اند؟ و رفتار ما با آنها باید براساس چه الگو و مبنایی شکل گیرد؟ (مصباح یزدی، ۱۳۷۸ - ۱۳۷۷: ۸) براین اساس باید بین کثرت‌گرایی در مقام نظری که همان پلورالیسم در حوزه صدق و معرفت شناختی است، با کثرت‌گرایی در حوزه عمل؛ یعنی پلورالیسم هنجاری تمایز قائل شد. در مقام رفتار و عمل همه انسان‌ها با هر دین و آیینی می‌توانند در کنار یکدیگر از زندگی مسالمت‌آمیزی برخوردار باشند. پس نباید میان کثرت‌گرایی معرفت‌شناختی و اخلاقی خلط کرد؛ اگرچه به جهت علاقه آدمی به سعه صدر و ملاحظات اخلاقی، میان این دو خلط می‌شود. (پترسون و دیگران، ۱۳۷۹: ۴۰۹) جان هیک یکی از وجوهی که در کثرت‌گرایی دینی مطرح می‌کند، همین کثرت‌گرایی دینی هنجاری است که بیان می‌دارد «وظیفه اخلاقی مسیحیان این است که پیروان ادیان غیر مسیحی را محترم بشمارند». (لگهاوزن، ۱۳۸۴: ۳۴) البته تلقی یکسانی درباره کثرت‌گرایی اخلاقی وجود ندارد. برخی کثرت‌گرایی اخلاقی را به این معنا می‌دانند که همه مکاتب و گونه‌ها و گرایش‌های اخلاقی قابل قبول است و هیچ یک بر دیگری برتری ندارد. این تلقی از کثرت‌گرایی، همان نسبت‌گرایی اخلاقی است و از لوازم و پیامدهای غیر واقع‌گرایی اخلاقی محسوب می‌شود. (مصباح یزدی، ۱۳۸۴: ۳۴) اما می‌توان از کثرت‌گرایی هنجاری، برداشت دیگری نیز ارائه کرد که متفاوت از نسبت‌گرایی اخلاقی باشد. با این توضیح که ارزش‌ها اخلاقی اموری واقعی هستند، اما منشأ واحدی ندارند و قابل تحویل به یک ارزش نیستند. این امر غیر از نسبت‌گرایی اخلاقی است و هماهنگ با نظریه واقع‌گرایی اخلاقی است. (مصباح، ۱۳۸۵: ۳۶ و ۴۹)

با بیانی که گذشت، تکثرگرایی دینی هنجاری^۱ یا کثرت‌گرایی دینی اخلاقی^۲ مربوط به موضع عملی نسبت به پیروان سایر ادیان و نه درباب ادیان است. به این معنا که موضعی که افراد را به تحمل و مدارا با پیروان ادیان مختلف توصیه می‌کند. (حاج ابراهیم، ۱۳۸۴: ۸۳)

1. Normative religious pluralism.
2. Moral religious pluralism.

دیدگاه اسلام

از میان دیدگاه‌هایی که درباره حقانیت ادیان مطرح است، متفکران اسلامی یا به انحصارگرایی و یا به شمول‌گرایی نظر دارند. اما نمی‌توان از همان تعریفی که از این دو رویکرد در فضای فکری مغرب زمین وجود دارد، دفاع کرد. از مبانی ای که متفکرانی چون امام خمینی و علامه طباطبایی ارائه می‌کنند، می‌توان بیان داشت که اسلام به وحدت ادیان و کثرت شرایع باور دارد؛ با این توضیح که از نظر قرآن و دیگر نصوص دینی یک دین حق بیشتر وجود ندارد. آیاتی مانند: «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ» (آل عمران / ۱۹)؛ «ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلَىٰ آثَارِهِم بِرِسَالِنَا» (حدید / ۲۷) بیانگر آنند که قرآن به وحدت دین نظر دارد؛ به همین جهت کلمه دین در قرآن همیشه به صورت مفرد به کار رفته است، نه جمع. البته باید توجه داشت که: «از لزوم وحدت ادیان، وحدت شرایع لازم نمی‌آید؛ چراکه شرایع یک سری احکام و دستورالعمل‌های عملی و رفتاری است که به حسب مصالح و مقتضیات زمان و مکانی، قابل تحول در بعد کم و کیف است: «لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَاجًا» (مائده / ۴۸) (قدردان قراملکی، ۱۳۸۳: ۱۱۳) شریعت‌های الهی یکی پس از دیگری، براساس ظرفیت‌های فکری بشر آمده و در نهایت با شریعت اسلام پایان یافته است. شریعت پیامبر گرامی اسلام ﷺ شریعت پایانی و جامع است که توان پاسخ‌گویی به نیازهای جدید بشر را در امور مختلف دارد. استاد مطهری می‌نویسد:

دین حق در هر زمانی یکی بیش نیست و بر همه کس لازم است از آن پیروی کند ... قرآن کریم می‌فرماید: «وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ» و هر کس جز اسلام دینی بجوید او برگزیند، پس، از او پذیرفته نخواهد شد و وی در آخرت از زیانکاران است.» اگر گفته شود که مراد از اسلام، خصوص دین ما نیست؛ بلکه منظور تسلیم خدا شدن است؛ پاسخ این است که البته اسلام همان تسلیم است و دین اسلام همان دین تسلیم است، ولی حقیقت تسلیم در هر زمانی شکلی داشته و در این زمان، شکل آن همان دین گران‌مایه‌ای است که به دست حضرت خاتم الانبیاء ظهور یافته است و قهرا کلمه اسلام بر آن منطبق می‌گردد و بس. به عبارت دیگر لازمه تسلیم خدا شدن پذیرفتن دستورهای او است و روشن است که همواره به آخرین دستور خدا باید عمل کرد و آخرین دستور خدا همان چیزی است که آخرین رسول او آورده است. (مطهری، بی‌تا: ۱ / ۲۷۵)

دین اسلام ضمن اینکه ناسخ شرایع گذشته است؛ اما در مقام تعامل و رفتار با سایر پیروان ادیان

دیگر، مسئله خوش رفتاری و حسن خلق را نسبت به آنان مطرح می‌کند. تسامح در رفتار غیر از دست برداشتن از عقاید و باورهای دینی است. این امری در مقام عمل و مربوط به حوزه رفتار و تعامل با انسان‌هاست. احترام به همه انسان‌ها، حتی افرادی که براساس باورهای دینی ما اهل نجات و رستگاری نباشند، مورد تأیید اسلام است. (لگهاوزن، ۱۳۸۴: ۳۵)

متفکران اسلامی در آثار خود براساس همین اصل بیان داشته‌اند که: «از نظر اسلام، مسلمانان می‌توانند در داخل کشور خود با پیروان ادیان دیگری که ریشه توحیدی دارند، از قبیل یهود و نصاری و مجوس، هرچند بالفعل از توحید منحرف باشند، تحت شرایط معینی، همزیستی داشته باشند». (مطهری، بی‌تا: ۲ / ۲۵۰ - ۲۴۹)

در آموزه‌های قرآنی، تعامل و خوش رفتاری نه تنها با اهل کتاب، بلکه با مشرکان صلح‌جو نیز مورد سفارش قرار گرفته است (گلیپگانی، ۱۳۷۸: ۵۴) و در آیات مختلفی به این مهم اشاره شده است. یکی از این آیات، کریمه هشتم از سوره ممتحنه است. در این آیه می‌خوانیم: «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَكَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ؛ خدا شما را نسبت به کسانی که در مورد دین با شما پیکار نکردند و شما را از خانه‌هایتان بیرون نراندند، منع نمی‌کند که به آنان نیکی کنید و نسبت به آنان دادگری نمایید؛ [چرا] خدا دادگران را دوست می‌دارد».

این امر در آیات متعددی در قرآن بیان شده است. در سوره بقره آیه ۲۰۸ آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السَّلَامِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ» این کریمه بیانگر زندگی مسالمت‌آمیز با همه انسان‌ها و از جمله کافران غیر حربی است. در کریمه دیگری باز دستور به صلح و زندگی با آرامش با افرادی که با مسلمانان صلح کرده‌اند، بیان شده است: «وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلَامِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ». (انفال / ۶۱)

خداوند به پیامبر اکرم ﷺ سفارش به خوش رفتاری و خوش گفتار با اهل کتاب می‌کند: «وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ؛ و با اهل کتاب جز به آن [شیوه‌ای] که آن نیکوتر است مناظره نکنید». (عنکبوت / ۴۶) جامعه اسلامی وظیفه دارد تمام حقوق شهروندی را برای غیر مسلمان فراهم کند. (عمید زنجانی، ۱۳۶۲: ۷۸ - ۷۶)

از دلایل مهم در گسترش فرهنگ اسلامی را باید در همین زندگی مسالمت‌آمیز با پیروان ادیان مختلف دانست. این امر به خصوص درباره اهل کتاب سبب گسترش تمدن اسلامی شده است. (مطهری، بی‌تا: ۲۴ / ۳۹۴) این نکته مورد غفلت خود غربیان نیز واقع نشده و درباره پلورالیسم

رفتاری اسلام و مسلمانان با سایر پیروان ادیان دیگر از آن سخن گفته‌اند. یکی از متفکران مشهور غربی، گوستاولوبون به صراحت در کتاب خود می‌نویسد:

زور شمشیر موجب پیشرفت قرآن نگشت؛ زیرا رسم اعراب این بود که هر جا را فتح می‌کردند، مردم آنجا را در دین خود آزاد می‌گذاشتند. اینکه مردم مسیحی از دین خود دست برمی‌داشتند و به دین اسلام می‌گرویدند و زبان عرب را بر زبان مادری خود برمی‌گزیدند، بدان جهت بود که عدل و دادی که از آن عرب‌های فاتح می‌دیدند، مانندش را از زمامداران پیشین خود ندیده بودند. (لوبون، بی‌تا: ۱ / ۱۴۵)

از آیات صریح قرآن و روایت فراوان از معصومان، مسئله زندگی مسالمت‌آمیز مسلمانان با پیروان سایر ادیان به دست می‌آید. در ادامه از مبانی شرعی این امر سخن خواهیم گفت. این مدل از زندگی، اختصاص به اهل کتاب ندارد؛ بلکه نصوص دینی و از جمله آیه مدنظر، آن را به گونه‌ای خاص درباره انسان‌ها حتی مشرکان نیز مطرح و تجویز می‌کند؛ البته مشروط به شرایطی که در دین اسلام بیان شده است. (سبحانی، ۱۴۲۵: ۲ / ۳۰۸) به همین جهت متفکران اسلامی مسئله کثرت‌گرایی هنجاری و رفتاری را سفارش اسلام دانسته و آن را از دیگر انواع پلورالیسم متفاوت می‌دانند. به باور اندیشمندان اسلامی دین اسلام مسلمانان را در حکومت اسلامی به تعامل با پیروان ادیان مختلف دعوت می‌کند. اگرچه ادیان مختلف از توحید انحراف داشته باشند؛ اسلام تحت شرایط معینی دعوت به زندگی مسالمت‌آمیز با آنان می‌کند. (مطهری، بی‌تا: ۲ / ۲۴۹) اسلام در پذیرش دین و مکتب، مسئله اجبار و اکراه را نمی‌پذیرد؛ بنابراین باید به تنوع ادیان هم تن دهد؛ زیرا ممکن است در اثر عدم اکراه، عده‌ای از انسان‌ها تن به دین اسلام ندهند و این امر با شواهد تاریخی هم مقرون است. اگر اکراه در دین پذیرفتنی نیست و نتیجه آن تنوع باورها و عقاید دینی باشد؛ پس باید در برابر پیروان ادیان مختلف با احترام و حفظ حقوق انسانی و اخلاقی رفتار کرد. (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ۱۹۶)

آزادی عقیده که نمونه بارز و مصداق اتم آن عقیده دینی است از مهم‌ترین حقوق فردی و اجتماعی است که هر دولتی باید بدان پای بند باشند. تضمین حقوق دیگر در گرو همین امر است. (حسین زاده، ۱۳۸۲: ۱۲۲) با تحلیل آیات مختلف قرآن کریم به این نتیجه می‌رسیم که خداوند مسلمانان را در برخورد با سه دسته به تعامل با قسط و عدل و زندگی مسالمت‌آمیز سفارش کرده است: مؤمنان و مسلمانان؛ موحدانی که در حکومت اسلامی زندگی می‌کنند؛ و نهایتاً کفار و ملحدانی که قصد معارضه با حکومت را ندارند. (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ۱۹۱)

تحلیل انتقادی کثرت‌گرایی دینی در پرتو اصل چهاردهم قانون اساسی

امروزه، کثرت‌گرایی دینی در کشورهای غربی مورد قبول قرار گرفته است. علی‌رغم این امر نمی‌توان کشوری از کشورهای غربی را مشخصاً تعیین کرد و بیان داشت که واقعا در آن کشور و در حیطه رفتار و عمل، کثرت‌گرایی هنجاری و رفتاری مشاهده می‌گردد. «بسیاری از دولت‌های ملی دوران جدید که به‌لحاظ دینی کثرت‌گرا هستند، با مسئله تنش‌های میان مجموعه‌های دینی مواجه‌اند. برخی از ادیان اهداف سیاسی نیرومندی دارند و این اهداف اغلب با ادیان دیگر تعارض پیدا می‌کنند.» (تالیافرو، ۱۳۸۲: ۳۸۲) دولتی مانند ایالات متحده علی‌رغم اینکه در قانون اساسی خود کثرت‌گرایی دینی را پذیرفته است؛^۱ اما در عمل مشاهده می‌شود که نه‌تنها به کثرت‌گرایی هنجاری و رفتاری تن نداده، بلکه موارد فراوانی از نقض حقوق پیروان ادیان مختلف در این کشور مشاهده می‌شود. (همان: ۳۸۳)

در آیین مسیحیت ادعا بر این است که باید به کثرت‌گرایی هنجاری تن داد. به همین دلیل برخی از متفکران غربی (هانتینگتون، ۱۳۷۴: فصل اول) بر این باورند که در میان ادیان مختلف، مسیحیت بهترین دین برای سعادت بشر محسوب می‌شود؛ زیرا تسامح و تساهل هیچ دینی به این آیین نمی‌رسد. نکته یاد شده با تاریخ فکری - سیاسی مسیحیت در مغرب زمین تعارض جدی دارد. تاریخ کلیسا در قرون وسطی سرشار از رفتارهای ناشایست اخلاقی و مذهبی با پیروان ادیان مختلف است؛ حتی با خود مسیحیانی که به مخالفت با کلیسا و مسیحیت پرداختند، این رفتارهای ناشایست وجود داشت. جنگ‌های صلیبی و جلسات دادگاه‌های تفتیش عقاید در غرب، خلاف ادعای متفکران جدید غربی را اثبات می‌کند. (دورانت، ۱۳۷۸: ۴ / ۸۲۱ - ۷۸۳)

دین اسلام تسامح رفتاری را با شرایطی می‌پذیرد، اما قائل به تساهل و تسامح باورها و اعتقادات دینی نیست. میان این دو تفاوت جدی وجود دارد. علت این امر آن است که اسلام کثرت‌گرایی هنجاری را به معنای تعامل و زندگی مسالمت‌آمیز با پیروان ادیان مختلف می‌پذیرد، اما کثرت‌گرایی در حوزه صدق و مسئله نجات را نمی‌پذیرد. (سبحانی، ۱۴۲۵: ۲ / ۳۰۹) به تعبیر ساشادینا در میان ادیان مختلف این اسلام و متن مقدس آن (قرآن) است که واقعا تن به همزیستی دینی می‌دهد. (ساشادینا، ۱۳۸۶: ۶۹)

کسانی که با بینش و نگرش اسلام آشنایی داشته باشند، اگرچه تکثر و تنوع ادیان را انکار

۱. در قانون اساسی آمریکا آمده است: «کنگره نباید هیچ قانونی مبنی بر احترام به یک تشکیلات دینی یا ممنوع ساختن عمل آزادانه به آن، یا محدود کردن آزادی بیان یا آزادی مطبوعات و یا محدود کردن حق تشکیل اجتماعات صلح‌آمیز افراد و دادخواهی حکومت برای احقاق حق مردم تصویب کند.» (تالیافرو، ۱۳۸۲: ۳۸۳ - ۳۸۲)

نمی‌کنند؛ اما مهر صدق و حقانیت نیز بر جامه همه ادیان نمی‌پوشانند. جمهوری اسلامی در برابر سنت‌های دینی پیروان ادیان مختلف، با دیده احترام به همه آنها نگریند، اما دعوی صدق تمامی ادیان را نمی‌پذیرد. قانون اساسی نظام، براساس آموزه‌های اسلامی، معیار مشخصی را برای ارزیابی ادیان مختلف ارائه کرده است. اما از سویی توجه دارد که در عصر کنونی که شعار دهکده جهانی مطرح است و ارتباطات، امری انکارناپذیر تلقی می‌شود، تعامل و رفتار حسنه با همه انسان‌ها را در راستای کرامت انسانی و ارزش‌های والای اخلاقی به دیده احترام نهاده و با همه انسان‌هایی که سرسازش و صلح داشته باشند، همکاری و مؤانست دارد. بر همین اساس نظام جمهوری اسلامی برطبق حاکمیت دینی و با توجه به اکثریت قریب به اتفاق مردم ایران که مسلمانند، تنها دین رسمی کشور را اسلام و مذهب جعفری اثنی‌عشری می‌داند. اما برای سایر مذاهب اسلامی نیز احترام کامل و برای آنان در انجام مراسم‌های مذهبی، آزادی قائل است. این امر در اصل دوازدهم قانون اساسی مندرج گردیده؛ اما از آنجا که در ایران اسلامی، علاوه بر مسلمین، غیر مسلمان اعم از اهل کتاب و غیر آن نیز زندگی می‌کنند، در اصول سیزدهم و چهاردهم برای آنان نیز حقوقی قائل شده است. براساس اصل چهاردهم قانون اساسی، اگرچه حاکمیت و اکثریت مردم به دین اسلام ملتزم هستند، اما درعین حال برای پیروان ادیان دیگر نیز احترام قائلند.

قانونگذار سند رسمی کشور، براساس اصول اسلامی برای همه انسان‌ها حقوقی قائل است. غیر مسلمان به حکم انسان بودن، اگرچه از نظر باورهای اعتقادی با مسلمان یکسان نمی‌اندیشد، اما مسلمان و دولت اسلامی حق تعرض به این افراد را نداشته و باید به حقوق انسانی آنان پایبند باشد. در بندهای مختلف قانون اساسی این امر بیان شده؛ اما کلیت آن در اصل چهاردهم مندرج گردیده است.

بررسی مشروح مذاکرات بررسی نهایی قانون اساسی ذیل این اصل

اصل چهاردهم قانون اساسی در پیش نویس آن سابقه‌ای نداشت. مفاد این اصل با الهام از نصوص دینی و به خصوص قرآن تنظیم شده است. در مجلس تدوین، این اصل با ۵۰ رأی موافق در برابر یک رأی مخالف و دو رأی ممتنع به تصویب رسید. (ورعی، ۱۳۸۵: ۲۳۷) این اصل در بازنگری سال ۱۳۶۸ بدون هیچ‌گونه تغییری باقی ماند و تفاوتی با اصل مصوب در سال ۱۳۵۸ ندارد. (ابراهیمی، ۱۳۹۴: ۳)

در اصول مختلف قانون اساسی، به رعایت حقوق اقلیت‌های دینی و مذهبی و غیر مسلمان غیر اهل کتاب تصریح شده است، مانند اصول ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۲۶، ۶۴ و ۶۷ در اصول ۱۲ و ۱۳ کلیات این

امر؛ یعنی رعایت حقوق اقلیت‌های دینی و مذهبی بیان شده است. در ذیل اصل سیزدهم، اقلیت دینی را پیروان ادیان یهودی، مسیحی و زردشتی معرفی کرده و بیان می‌دارد: «ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی تنها اقلیت‌های دینی شناخته می‌شوند که در حدود قانون، در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی برطبق آیین خود عمل می‌کنند.» در این اصل به غیر مسلمان غیر اهل کتاب اشاره نشده است؛ اما در اصل بعدی به صورت کلی بیان می‌دارد که در نحوه تعامل و رفتار با غیر مسلمان چگونه باید عمل کرد. البته درباب انجام مراسم دینی در ادامه خواهیم گفت که قانون اساسی علی‌رغم رسمیت دین اسلام و مذهب شیعه، انجام آزادانه مراسم دینی و مذهبی را براساس اصل ۱۲ و ۱۳، صرفاً برای مذاهب اسلامی و ادیان مندرج در ۱۳ به رسمیت می‌شناسد. در اصل بعدی به جهت اهمیت زندگی مسالمت‌آمیز با همه انسان‌ها به صورت کلی، همه فرق و مذاهب مطرح می‌شود، اما نه در انجام آزادانه مراسم مذهبی، بلکه صرفاً در نحوه رفتار و تعامل اجتماعی.

در صورت جلسه مشروح مذاکرات قانون اساسی، رابطه دو اصل ۱۳ و ۱۴ را عموم و خصوص مطلق بیان کرده است؛ یعنی اصل ۱۴ قانون اساسی با ذکر افراد غیر مسلمان نسبت به اصل ۱۳ قانون اساسی عمومیت داشته و عام‌تر است؛ زیرا عبارت غیر مسلمان اعم است از افراد کلیمی، زرتشتی و مسیحی در اصل ۱۳ قانون اساسی و غیر اینها. (ابراهیمی، ۱۳۹۴: ۵)

مفاد مورد رعایت در اصل ۱۴

در این اصل به صورت کلی، رعایت مسئله رفتار با اخلاق حسنه و رعایت عدل و قسط و همچنین رعایت حقوق انسانی در مواجهه با غیر مسلمانان بیان شده است. سؤال اساسی آن است که در رعایت حقوق، چه عناوینی مد نظر قانونگذار بوده است؟ با مراجعه به کلیت قانون اساسی می‌توان این امور را به عنوان موضوع حقوق یادشده در این اصل بیان داشت: اصل حفظ کرامت انسانی که به سبب آن غیر مسلمانان از حقوق انسانی، که مصادیق آن را می‌توان مصونیت جانی و مالی و آبرویی غیر مسلمانان دانست، برخوردار خواهند بود؛ حق برخورداری از اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی. (هاشمی، ۱۳۸۰: ۱ / ۱۸۹)

براساس کریمه مندرج در همین اصل (آیه هشتم سوره ممتحنه) به جهت حفظ کرامت انسانی به مسلمانان دستور داده شده است تا با کسانی که با آنان جنگ ندارند، زندگی مسالمت‌آمیز داشته باشند و آنها را از خانه و کشورشان بیرون نکنند. با توجه به عام بودن آیه، خطاب آیه شامل همه غیر مسلمانان می‌شود. فقط با مفهوم‌گیری از آیه می‌توان به این نتیجه رسید که غیر مسلمانانی که با

مسلمین سر جنگ دارند، از مورد آیه؛ یعنی رفتار مسالمت‌آمیز خارج می‌شوند. در قانون اساسی هم همین نکته مدنظر قانونگذار بوده است.

در قانون اساسی بر حفظ جان و مال و ناموس و آبروی مسلمان و غیر مسلمان به صورت کلی تأکید شده است؛ یعنی تفاوتی بین مسلمان و غیر مسلمان لحاظ نشده است. مباحثی که در باب حقوق قضایی در قانون آمده، ناظر به همین جهت است.

در باب آزادی مذهبی هم قانونگذار براساس تعالیم دین اسلام این نکته را در نظر داشته است که غیر مسلمانان می‌توانند به اعتقادات خود وفادار باشند و هیچ کس حق تفتیش عقاید آنان را ندارد و نمی‌تواند آنان را به پذیرش اسلام وادار نماید. البته این امر مانع امر به معروف و یا نهی از منکر نمی‌گردد. مسئله انجام فعالیت‌های مذهبی به‌طور رسمی صرفاً برای اهل کتاب است نه برای غیر اهل کتاب.

در باب آزادی فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی و سیاسی نیز قانونگذار برای غیر مسلمانان این حق را قائل شده است که آزادانه به فعالیت بپردازند. به‌طور کلی براساس فصل سوم قانون اساسی (یعنی از اصل نوزدهم تا اصل چهل و دوم که مربوط به حقوق ملت ایران است)، ایرانیان غیر مسلمان نیز هم ردیف ایرانیان مسلمان (اعم از شیعه و سنی) از تمامی حقوق مندرج در این فصل برخوردارند. مهم‌ترین این حقوق که ذیل اصول یاد شده آمده از این قرارند: حق حیات و امنیت در شئون مادی و معنوی؛ این حق مبین آن است که حیثیت، جان، مال و مسکن و شغل افراد از تعرض مصون است، مگر در مواردی که قانون تجویز کند. (اصل بیست و دوم قانون اساسی)

همچنین تأمین نیازهای اساسی همچون مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش (اصل سی ام) و امکانات که برای تشکیل خانواده آنان لازم است. (بند اول از اصل چهل و سوم) برخوردار از تأمین اجتماعی (مفاد اصل بیست و نهم)، دادخواهی (مفاد اصل سی و چهارم)، حق انتخاب وکیل (مفاد اصل سی و پنجم) و اموری مانند آن از حقوقی است که همه افراد اعم از مسلمان و غیر مسلمان در جامعه اسلامی از آن برخوردارند.

دامنه خروج اصل ۱۴

از پیوند این اصل با اصل ۱۲ و ۱۳ به دست می‌آید که رعایت برخی از موارد از دامنه شمول اصل مذکور خارج است؛ یعنی آنچه که تحت عنوان انجام مراسم دینی و رعایت احوال شخصیه و تعلیمات دینی براساس آیین‌های رسمی مجاز خواهد بود. مفهوم اصول ۱۲ و ۱۳ این است که ادیان و مذاهبی که در اصول یاد شده نیامده است، در انجام مراسم مذهبی و احوال شخصیه نمی‌توانند براساس مکاتب غیر رسمی مندرج در قانون عمل نمایند. در اصل سیزدهم آمده است: «ایرانیان زرتشتی،

کلیمی و مسیحی تنها اقلیت‌های دینی شناخته می‌شوند که در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصیه^۱ و تعلیمات دینی برطبق آیین خود عمل می‌کنند.» به همین جهت باید گفت غیر مسلمانانی که نام دین و مذهبشان در قانون نیامده و رسمیتی برای آنان قائل نشده‌اند، نمی‌توانند مراسم دینی خاص خود را انجام دهند و یا به تبلیغ رسمی از دین خود بپردازند. اگرچه وظیفه فردی و اجتماعی مسلمین و حاکمیت اسلامی برخورد با اخلاق حسنه و قسط و عدل و رعایت حقوق انسانی در رابطه با این افراد است. (ابراهیمی، ۱۳۹۴: ۱۰)

باید به این نکته هم توجه داشت که غیر مسلمانی که نام دینشان در قانون اساسی نیامده، گرچه نمی‌توانند به طور رسمی به مناسک دینی خود بپردازند، براساس اصل بیست و سوم قانون اساسی کسی حق تفتیش از عقاید آنان را نداشته و نمی‌توان آنان را به پذیرش دین اسلام وادار کرد. ضمن اینکه می‌توانند با گفتگوی علمی به بیان اعتقادات خود بپردازند و از مکتب خود در مقام نظر دفاع کنند. صرفاً در بعد عملی قانونگذار برای آنها در انجام مراسم رسمی آیین خود حقی قائل نشده است. در باب حق آزادی تشکل هم براساس اصل بیست و ششم که تشکل‌های سیاسی و صنفی را حق همه مردم ایران می‌داند، می‌توان گفت که غیر مسلمانان اعم از اهل کتاب و غیر آن شامل این اصل می‌گردند. اما درباره تشکیل انجمن دینی غیر مسلمان غیر اهل کتاب باید گفت با توجه به اینکه قانونگذار آن را مختص مسلمانان و اقلیت‌های دینی دانسته، پس اینان از این امر خارج می‌شوند. «چون افکار و عقاید اهل کتاب (که بعضاً الحادی و غیر توحیدی است) مضر به مبانی اسلام و مصالح جامعه مسلمین و سلامت و اخلاق عمومی کشور می‌باشد، تشکیل انجمن برای آنان مجاز شناخته نشده است.» (هاشمی، ۱۳۸۰: ۱ / ۱۹۳)

از مواردی که در متن قانون اساسی به‌عنوان دامنه خروج برای این اصل آمده، رعایت موازین اسلامی است. براساس اصول نوزدهم و بیستم، همه مردم ایران (اعم از مسلمان و غیر مسلمان) از همه حقوق انسانی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلامی برخوردارند.

مبانی اصل یادشده

الف) مبانی شرعی

مبانی شرعی اصل ۱۴ را هم می‌توان قرآنی و هم می‌توان روایی دانست. آیات متعددی از قرآن کریم بر محتوای این اصل صحه می‌گذارد. غیر از آیه به کار گرفته شده در این اصل، آیات دیگری نیز

۱. ازدواج، طلاق، ارث و وصیت. (هاشمی، ۱۳۸۰: ۱ / ۱۸۰)

مؤید این امر است. آیاتی از قرآن کریم که بیانگر عدم اکراه در پذیرفتن دین اسلام است، خود شاهدی بر مدعی مذکور است؛ زیرا خاستگاه خشونت و تهدیدکننده زندگی مسالمت‌آمیز با پیروان ادیان مختلف را باید در تئوری الزام و اکراه در انتخاب دین خاص دانست. (قدردان قراملکی، ۱۳۸۰: ۹۰) حال آنکه قرآن صریحاً به نفی اکراه در دین نظر دارد: «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ» (بقره / ۲۵۶) «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا». (انسان / ۳)

همچنین آیاتی که بیانگر گفتگوی منطقی با ادیان دیگر است، از تفاهم و زندگی مسالمت‌آمیز حکایت دارد؛ چون گفتگوی با ادیان در یک جامعه در سایه همزیستی مسالمت‌آمیز فراهم خواهد شد. نیز آیات فراوانی به مدارا و احسان بر کافران دلالت می‌کند. برای نمونه: «وَأِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ؛ و اگر [دشمنان] به صلح متمایل شوند، پس [تو نیز] بدان متمایل شو؛ و بر خدا توکل کن! [زیرا] که در حقیقت تنها او شنوا [و] داناست.» (انفال / ۶۱)؛ «فَإِنْ اعْتَزَلْتُمْ فَلَهُمْ يَتَاتَلُكُمْ وَاللَّهُ لِيُكَلِّمَ مَن يَشَاءُ فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلًا؛ پس اگر از شما کناره‌گیری کرده و با شما پیکار ننمودند و با شما طرح صلح افکندند، پس خدا هیچ راهی برای [تعدی] شما بر آنان قرار نداده است.» (نساء / ۹۰)؛ «خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ؛ عفو [و مدارا پیش] گیر و به [کار] پسندیده فرمان ده و از نادانان روی گردان.» (اعراف / ۱۹۹)

کثرت روایات ناظر بر تعامل و رفتار حسنه با انسان‌ها از هر کیش و آیینی در مجامع روایی فریقین غیر قابل انکار است. از میان روایات به دو روایت از معصومان علیهم‌السلام اشاره می‌شود. منشور اخلاقی و مدیریتی حضرت امیر علیه‌السلام به مالک اشتر در رأس روایات ما قرار دارد. در بخشی از نامه حضرت به مالک می‌خوانیم: «[ای مالک] مهربانی و محبت ورزیدن و لطف به رعیت را پوشش دل خود قرار ده، و بر آنان چونان حیوان درنده مباش که خوردنشان را غنیمت شماری؛ زیرا رعیت دو دسته اند: یا برادر ایمانی تو هستند و یا نظیر تو در آفرینش.» (نهج‌البلاغه، نامه ۳۵) و مقصود از هموعان در آفرینش، غیر مسلمانان و پیروان سایر ادیان می‌باشند.

فردی از امام رضا علیه‌السلام پرسید: «آیا برای پدر و مادرم دعا کنم، با اینکه حق امامان و آل‌پیامبر را شناختند؟» حضرت در پاسخ فرمودند: «برای آنها دعا کن و صدقه برای آنها بده و اگر در قید حیات هستند و حق را نمی‌شناسند، با آنها مدارا کن؛ زیرا رسول خدا فرمود: خداوند مرا با رحمت مبعوث نمود نه، با درستی و نامهربانی.» (حرانی، ۱۳۶۶: ۴۲۶) در روایت دیگری از امام رضا علیه‌السلام آمده است: «سنت پیامبر مدارا کردن با مردم بود.» (کلینی، ۱۴۰۷: ۲ / ۲۴۲؛ صدوق، ۱۳۷۸: ۱ / ۲۵۶) مراد از مدارا با مردم، همین کثرت‌گرایی هنجاری و رفتاری است.

ب) مبانی عقلی

در باب مبانی عقلی اصل یادشده اگرچه در قانون نکته‌ای نیامده است؛ اما می‌توان از محتوای آن و کلمات متکلمان و حکما آن را مستند به دلیل عقلی دانست. مهم‌ترین دلیل را شاید بتوان جلب منفعت و دفع ضرر در پرتو این اصل دانست. تعامل با یکدیگر در جوامع، مورد پذیرش عقل سلیم است. از احکام عقل عرفی، ضرورت جلب منفعت و دفع ضرر است. برای داشتن زندگی سالم در جامعه، باید بین انسان‌ها تعامل رفتاری حاکم باشد؛ در غیر این صورت چالش و درگیری و نزاع همواره بین انسان‌ها برقرار خواهد بود و این خلاف حکم هر عقل سلیمی است. عقل عرفی حکم می‌کند که افراد یک جامعه از عواملی که سبب هلاکت و خسارت باشد، فاصله گرفته و به تعامل و آنچه سبب امنیت و راحتی انسان‌هاست، توجه کنند. این امر در سایه تعامل و رفتار شایسته و حسنه انسان‌ها با یکدیگر فراهم می‌شود.

سنت همه حق‌جویان عالم، اعم از دانشمندان و فیلسوفان و طرف‌داران ادیان و انبیا و همه خداپرستان و حق‌جویان، این بوده که با کسانی که اختلاف داشتند، روابط انسانی و محترمانه برقرار کنند و با حفظ کرامت و احترام مقابل، به بحث و گفتگو بپردازند. (مصباح یزدی، ۱۳۷۸ - ۱۳۷۷: ۸)

مبانی حقوقی

خود این اصل مبتنی بر اصول قانونی دیگر در همین قانون است که مهم‌ترین آنها دو اصل است: یکی اصل دوم که در بند ششم این اصل به مسئله کرامت انسانی اشاره شده است؛ و دوم اصل بیست و سوم قانون اساسی که بیان می‌دارد: «تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ کس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مؤاخذه قرار داد».

مفاد این اصل به خوبی بیانگر آن است که قانون اساسی در جهت حقوق شهروندی، حق تعرض به دیگران را به جهت داشتن باورها و اعتقادات خاص ممنوع می‌داند. داشتن باورها و اعتقادات خاص یک حق اجتماعی است. البته باید توجه داشت که در ادامه اصل چهاردهم تأکید شده است: «این اصل در حق کسانی اعتبار دارد که بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی ایران توطئه و اقدام نکنند.» از این جهت اگر کسی به ترویج باورهای خلاف حکومت اسلامی بین افراد جامعه اقدام کند، از دایره اصل بیست و سوم و چهاردهم خارج شده و حاکمیت، حق برخورد با او را خواهد داشت. اصل چهاردهم در واقع دارای دو قسمت است: بخش اول به مسلمین برای رفتار حسنه و با قسط و عدل

به همه انسان‌ها دستور می‌دهد و در بخش دوم عدم توطئه غیر مسلمانان علیه نظام و مردم شرط شده است. (یزدی، ۱۳۸۲: ۱۸۰)

براساس اصل بیست و سوم نمی‌توان به اشخاص به صرف داشتن عقیده‌ای خاص، تعرض کرد؛ اما این اصل به معنای ترک امر به معروف و نهی از منکر نیست؛ چه اینکه براساس اصل هشتم قانون اساسی، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل. (ملک افضلی، ۱۳۹۱: ۸۳)

شاید مهم‌تر از اصل ۲۳، بند ششم از اصل دوم قانون اساسی باشد که بیان می‌دارد: جمهوری اسلامی بر پایه کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا شکل گرفته است. مبتنی بر اصل کرامت انسانی، آدمی از حقوق مختلفی برخوردار است که در بندهای مختلف قانون اساسی به آنها اشاره شده است.

حضرت امام خمینی درباره نکته یاد شده می‌گوید: «دولت اسلامی اگر به وظیفه اسلامی عمل کند، برای همه قشرها، برای همه دین‌هایی که رسمی هستند در ایران، برای همه اینها احترام قائل است ... و این نیست جز اینکه اسلام این طور است». (امام خمینی، ۱۳۷۲: ۱۷ / ۱۰۰ - ۹۸؛ همان: ۳ / ۱۵۹)

تحلیل آیه مورد استناد در این اصل

سوره ممتحنه مدنی است و در سراسر آیات آن از حقوق اساسی در سه محور: حقوق اساسی در سیاست خارجی و روابط بین‌الملل؛ حقوق اساسی حاکمیت اسلامی در مواجهه با غیر مسلمانان در بلاد اسلامی و در نهایت حقوق خانواده سخن می‌گوید. آیات هشتم و نهم این سوره ملاک و مبانی رفتار با غیر مسلمانان را بیان می‌دارد. براساس این آیات مسلمانان باید در رفتار با کافران و غیر مسلمانان عدالت را محور کار خویش قرار دهند.

آیه یاد شده در سوره ممتحنه خوش رفتاری با غیر مسلمانان را به صورت کلی مطرح نمی‌کند؛ بلکه این عمل درباره غیر مسلمانانی است که دست به شمشیر نبرده و سر جنگ با مسلمانان ندارند. کافران حربی از این امر مستثنی هستند. این نکته به صراحت هم در قرآن بیان شده و هم مفسران فریقین آن را بیان داشته‌اند. مفسران عامه و امامیه منظور از غیر مسلمانان را کسانی می‌دانند که با جامعه اسلامی عهد و پیمانی داشته و در مقام معارضة و درگیری با مسلمین برنیامده باشند. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳ / ۱۳۶؛ همان: ۹ / ۴۰۹؛ رازی، ۱۴۲۰: ۲۹ / ۵۲۱؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۱۸ / ۵۹؛ زحیلی، ۱۴۱۱: ۲۸ / ۱۳۴؛ شوکانی، ۱۴۱۴: ۵ / ۲۵۴؛ قطب، ۱۳۸۶: ۶ / ۲۵۴۴؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۹ / ۲۳۴؛ مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴: ۲۴ / ۳۱؛ صادقی تهرانی، ۱۳۶۵: ۲۸ / ۲۸۰)

در مواردی که خداوند پیامبر را به خوش رفتاری و خوش گفتاری با غیر مسلمانان سفارش

می‌کند، حد آن را نیز بیان می‌دارد؛ یعنی به صورت موجبه کلیه نمی‌گوید در همه حال و با همه کسان خوش رفتاری داشته باش. در سوره عنکبوت آیه ۴۶ می‌خوانیم: «وَكَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِنَّمَا بِآئْتِي هِيَ أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ؛ و با اهل کتاب جز به آن [شیوه‌ای] که آن نیکوتر است، مناظره نکنید، مگر با کسانی از آنان که ستم کرده‌اند»؛ یعنی دسته‌ای از اهل کتاب برای خوش گفتاری از حیطة مجادله احسن جدا شده‌اند. اما این امر زمانی است که آنان به شمشیر دست نبرده و با اسلام و مسلمین سر ناسازگاری نداشته باشند. درحالی که در حالت عادی، پیامبر اکرم با اهل کتاب صلح کرده و زندگی مسالمت‌آمیز با آنان در مدینه داشته است. حتی این مدل رفتار با مشرکان مکه نیز در صلحی مانند حدیبیه خود را نشان می‌دهد. (عمید زنجانی، ۱۳۴۴: ۹۴ - ۸۳) از مفسر معاصر، آیت‌الله جوادی آملی می‌نویسد:

اسلام، کثرت‌گرایی سیاسی، اجتماعی و نظایر آن را با ضوابط خاص خود امضا یا تأسیس کرده است و زندگی مسالمت‌آمیز همه انسان‌ها را با عقاید متعدد، گرایش‌های متنوع و روش‌ها و منش‌های مختلف امضا کرده و همان‌طور که برای اسلام محمدی دستور «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» و در قلمرو اسلام ابراهیم فرمان «تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ» نازل کرده، در صحنه بین‌الملل، حکم «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ...» (ممتحنه / ۸) را صادر فرموده است. از این رو هر انسانی با انسان دیگر، حقوق جهانی خود را می‌تواند استیفا کرده، همه مردم گیتی در زیر چتر عدل عام و مواسات و مساوات، در برابر قانون جامع که جام جهان‌نماست، حیات امن و به دور از تنش و چالش داشته باشند. (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۶ / ۲۱۲ - ۲۱۱)

علامه طباطبایی در تفسیر آیه مذکور بیان می‌دارد که نهی از دوستی با کافران به معنای نهی از عدالت و خوش رفتاری با کفار غیر حربی نیست. مسئله قتال و دشمنی با کفار، با کافران حربی است. ضمن اینکه آیه یاد شده به معنی نسخ آیات جهاد با کفار مانند: «فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ» (توبه / ۵) نمی‌باشد؛ زیرا آیه هشتم سوره ممتحنه با اینکه مطلق است، غیر اهل ذمه و اهل معاهده را شامل نمی‌شود و کفاری که با اسلام سر جنگ دارند، مشمول این آیه نیستند، تا آیه سوره توبه ناسخ آن باشد. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۹ / ۲۳۴)

سیاق سوره ممتحنه بیانگر نهی مسلمانان از دوستی با مشرکان و کفار است. اما در این آیه به کلیت این مسئله تخصیص می‌زند و منظور از عدم دوستی با مشرکان را آنهایی می‌داند که با مسلمین نجنگیده و آنان را از سرزمینشان خارج نکرده‌اند. همچنین شامل مشرکان و کفاری است

که با مسلمانان پیمان بسته اند که با آنان نجنگند. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳ / ۱۳۶؛ همان: ۹ / ۴۰۹؛ رازی، ۱۴۲۰: ۲۹ / ۵۲۱؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۱۸ / ۵۹؛ زحیلی، ۱۴۱۱: ۲۸ / ۱۳۴؛ شوکانی، ۱۴۱۴: ۵ / ۲۵۴؛ قطب، ۱۳۸۶: ۶ / ۲۵۴۴؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۹ / ۲۳۴) بنابراین براساس آیه یادشده، مسلمین حتی با مشرکان و بت پرستان - مشروط به اینکه دست به توطئه علیه اسلام و مسلمین نزنند و بر سر راه تبلیغ دین اسلام مانع ایجاد نکنند - موظف به تعامل انسانی با آنانند. اگرچه مسلمین براساس باورهای خود نمی‌توانند اعتقادات مشرکان را به رسمیت بشناسند و باید از عقاید آنان بجویند، در عین حال باید با قسط و احسان با آنان رفتار کنند. (ربانی گلپایگانی، ۱۳۷۸: ۵۴)

نتیجه

از نظر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، پیروان ادیان آسمانی، از حق امنیت اجتماعی برخوردارند و در چارچوب قوانین اسلام، حق حیات و فعالیت دارند؛ اما حقانیت منطقی و گزاره‌ای همه ادیان پذیرفته نیست. این نکته در اصول مختلفی از قانون اساسی بیان شده که در رأس آنها اصل چهاردهم قرار دارد. براساس مفاد این اصل، تعامل بین انسان‌های وابسته به ادیان مختلف در سایه سعه صدر، گفتار نیکو، جدال احسن و براساس علم، آگاهی و احساس همدلی، جهت تقریب مذاهب و ادیان و انسجام آنها پذیرفتنی است. عدم اکراه در پذیرفتن اسلام، گفتگوی منطقی با ادیان دیگر و دعوت به مشترکات در نصوص دینی، مبنایی است در قانون اساسی که بر بردباری مذهبی و اجتماعی اسلام در برابر پیروان ادیان مختلف دلالت دارد. قانون اساسی با تأثیرپذیری از نصوص دینی اسلام بیان می‌کند که پیروان ادیان مختلف با پذیرش یک سلسله اصول مشترک، می‌توانند در کنار هم با تعامل و مسالمت‌آمیز، از همزیستی بهره برده و در صلح و آرامش، زندگی دنیوی را سپری کنند. اما اگر پیروان ادیان مختلف به فعالیت‌های تخریبی علیه اسلام و حاکمیت اسلامی دست بزنند و حرکات و رفتاری را که جنبه تخریبی برای حاکمیت داشته باشد انجام دهند، نظام براساس اصل چهاردهم باید به مقابله با آنان بپردازد.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. ابراهیمی، مهدی، ۱۳۹۴، سلسله جلسات بازخوانی مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی سال ۱۳۵۸: بررسی اصل چهاردهم، تهران، پژوهشکده شورای نگهبان.

تحلیل کثرت‌گرایی هنجاری در پرتو اصل چهاردهم قانون اساسی ج.ا.ا □ ۷۱

۴. استامپ، التر و دیگران، ۱۳۸۳، *جستارهایی در فلسفه دین*، مترجم مرتضی فتحی زاده، تهیه شده در انجمن معارف اسلامی ایران، قم، آیت عشق.
۵. امام خمینی، سید روح‌الله، ۱۳۷۲، *صحیفه نور*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۶. پترسون، مایکل و دیگران، ۱۳۷۹، *عقل و اعتقاد دینی*، ترجمه احمد نراقی و ابراهیم سلطانی، تهران، انتشارات طرح نو، چ ۳.
۷. تالیافرو، چارلز، ۱۳۸۲، *فلسفه دین در قرن بیستم*، مترجم انشاء الله رحمتی، تهران، دفتر پژوهش و نشر سهروردی.
۸. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۷۸، *تسنیم*، قم، اسراء، چ ۱.
۹. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۱، *دین‌شناسی*، قم، اسراء.
۱۰. حاج ابراهیم، رضا، ۱۳۸۴، *نجات، ادیان و فاهمه بشری (جستاری در نجات‌شناسی صدرایی و اسلامی)*، قم، کتاب طه و آیت عشق.
۱۱. حرانی، ابومحمد حسن بن علی، ۱۳۶۶، *تحف العقول عن آل الرسول*، تحقیق علی‌اکبر غفاری، تهران، کتابفروشی اسلامیة.
۱۲. حسین زاده، محمد، ۱۳۸۲، *مبانی معرفت دینی*، قم، مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چ ۶.
۱۳. خسروپناه، عبدالحسین، ۱۳۸۸، *کلام جدید با رویکرد اسلامی*، قم، نشر معارف.
۱۴. دورانت، ویل، ۱۳۷۸، *تاریخ تمدن*، ترجمه گروهی از نویسندگان، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چ ۶.
۱۵. رازی، فخرالدین، ۱۴۲۰ ق، *مفاتیح الغیب*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، الطبعة الثالثة.
۱۶. ربانی گلپایگانی، علی، ۱۳۷۸، *تحلیل و نقد پلورالیسم دینی*، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
۱۷. زحیلی، وهبه، ۱۴۱۱ ق، *التفسیر المنیر فی العقیة و الشریعة و المنهج*، دمشق، دار الفکر، الطبعة الثانية.
۱۸. ساشادینا، عبدالعزیز، ۱۳۸۶، *مبانی همزیستی اجتماعی در اسلام*، ترجمه سید محمدرضا هاشمی، قم، نشر ادیان.
۱۹. سبحانی، جعفر، ۱۴۲۵ ق، *مدخل مسائل جدید در علم کلام*، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، چ ۲.

- ۷۲ □ فصلنامه علمی - پژوهشی انقلاب اسلامی، س ۴، زمستان ۹۴، ش ۱۵
۲۰. سروش، عبدالکریم، ۱۳۷۷، *صراط‌های مستقیم*، تهران، انتشارات صراط، چ ۲.
۲۱. سید قطب، ۱۳۸۶ ق، *تفسیر فی ظلال القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۲۲. شوکانی، محمد، ۱۴۱۴ ق، *فتح‌التقدیر*، دمشق، دار ابن کثیر.
۲۳. صادقی تهرانی، محمد، ۱۳۶۵، *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن*، قم، انتشارات فرهنگ اسلامی، چ ۲.
۲۴. صادقی، هادی، ۱۳۷۷، *پلورالیسم، دین، حقیقت، کثرت*، قم، مؤسسه فرهنگی طه.
۲۵. صادقی، هادی، ۱۳۸۲، *درآمدی بر کلام جدید*، قم، کتاب طه و نشر معارف.
۲۶. صدوق، محمد بن علی، ۱۳۷۸ ق، *عیون اخبار الرضا (ع)*، محقق مهدی لاجوردی، تهران، نشر جهان.
۲۷. طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۴۱۷ ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چ ۵.
۲۸. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تحقیق محمد جواد بلاغی، تهران، انتشارات ناصر خسرو، چ ۳.
۲۹. عمید زنجانی، عباسعلی، ۱۳۴۴، *اسلام و همزیستی مسالمت آمیز*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۳۰. عمید زنجانی، عباسعلی، ۱۳۶۲، *حقوق اقلیت‌ها*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چ ۳.
۳۱. *قانون اساسی ج. ۱.۱.*
۳۲. *قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*، ۱۳۸۴، تدوین: حسین صادقی، قم، حقوق اسلامی.
۳۳. قدردان قراملکی، محمدحسن، ۱۳۷۸، *کند و کاوی در سویه‌های پلورالیسم*، قم، کانون اندیشه جوان.
۳۴. قدردان قراملکی، محمدحسن، ۱۳۸۰، *قرآن و پلورالیسم*، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
۳۵. قدردان قراملکی، محمدحسن، ۱۳۸۳، *کلام فلسفی: تحلیل عقلانی از آموزه‌های دینی*، قم، وثوق.
۳۶. قرطبی، محمد بن احمد، ۱۳۶۴، *الجامع لاحکام القرآن*، تهران، انتشارات ناصر خسرو.
۳۷. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ ق، *الکافی*، محصح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چ ۴.
۳۸. لگنهاوزن، محمد، ۱۳۷۹، *اسلام و کثرت‌گرایی دینی*، ترجمه نرجس جواندل، قم، مؤسسه فرهنگی طه.
۳۹. لوبون، گوستاو، بی تا، *تمدن اسلام و عرب*، ترجمه سید هاشم حسینی، تهران، کتابفروشی اسلامیه.
۴۰. مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۷۸ - ۱۳۷۷، «گفتگو درباب ادیان و تمدن‌ها»، *کتاب نقد*، ش ۱۰ - ۹.
۴۱. مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۸۴، *نقد و بررسی مکاتب اخلاقی*، تحقیق و نگارش احمد حسین

- شریفی، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۴۲. مصباح، مجتبی، ۱۳۸۵، *بنیاد اخلاق*، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۴۳. مطهری، مرتضی، بی تا، *مجموعه آثار*، تهران، صدرا. (نرم افزار مطهری نور)
۴۴. معلمی، حسن، ۱۳۹۰، *معرفت‌شناسی و مباحث جدید کلامی*، قم، بوستان کتاب.
۴۵. مکارم شیرازی، ناصر، و همکاران، ۱۳۷۴، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الإسلامیه.
۴۶. ملک‌افضلی اردکانی، محسن، ۱۳۹۱، *مختصر حقوق اساسی و آشنایی با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*، قم، دفتر نشر عارف.
۴۷. هاشمی، محمد، ۱۳۸۰، *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*، تهران، نشر دادگستر، چ ۳.
۴۸. هانتینگتون، ساموئل، ۱۳۷۴، *نظریه برخورد تمدن‌ها*، ترجمه و ویراسته مجتبی امیری وحید، تهران، وزرات خارجه.
۴۹. هیک، جان، ۱۳۷۲، *فلسفه دین*، ترجمه بهرام راد، تهران، انتشارات الهدی.
۵۰. هیک، جان، ۱۳۷۸، *مباحث پلورالیسم دینی*، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران، مؤسسه انتشاراتی تبیان.
۵۱. ورعی، سیدجواد، ۱۳۸۵، *مبانی و مستندات قانون اساسی به روایت قانونگذار*، قم، انتشارات دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری.
۵۲. وین‌رایت، ویلیام جی، ۱۳۹۰، *فلسفه دین*، مترجم علیرضا کرمانی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۵۳. الیاده، میرچاه، ۱۳۷۳، *دین پژوهی*، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، دفتر اول و دوم، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۵۴. یزدی، محمد، ۱۳۸۲، *شرح و تبیین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*، قم، امام عصر علیه السلام.
۵۵. یوسفیان، حسن، ۱۳۹۰، *کلام جدید*، تهران، سمت، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی،

